

کارکرد سیاسی دین در هندوستان معاصر

نشر نگاه معاصر

هندوئیسم و اسلام

صبح مفیدی

فهرست

- ۱۰..... فهرست جداول
- ۱۱..... اختصارات
- ۱۳..... پیشگفتار: مدخلی بر چاپ فارسی کتاب
- ۱۵..... مقدمه
- ۲۳..... فصل اول: کارکرد سیاسی دین: مروری نظری و مفهومی
- ۲۳..... الف. کارکرد و کارکردگرایی
- ۳۳..... ب. دین: تعاریف ذاتی و کارکردی
- ۴۲..... ج. کارکرد سیاسی دین
- ۷۱..... جمع بندی
- ۸۱..... فصل دوم: سکولاریسم هندی
- ۸۲..... الف. رابطه‌ی دین و سیاست در یک دولت سکولار
- ۸۳..... ب. رابطه‌ی دین و سیاست در هندوئیسم و اسلام
- ۱۰۳..... ج. سکولاریسم هندی
- ۱۲۳..... جمع بندی

فصل سوم: دین در ناسیونالیسم هندی و جنبش استقلال

الف. سیاست دینی حکومت بریتانیا ۱۳۲

ب. هندوئیسم در ناسیونالیسم هندی و جنبش استقلال ۱۴۲

ج. رهبری گاندی: تأثیر دین بر کاریزمای وی ۱۶۳

د. اسلام و ناسیونالیسم هندی ۱۷۲

جمع بندی ۱۸۰

فصل چهارم: دولت - ملت سازی و دیگر کارکردهای سیاسی دین در هند پیشا -

استقلال

الف. دین همچون پایه‌ای برای ایجاد دولت - ملت‌ها: تقسیم و تجزیه ۱۸۹

ب. نمونه‌هایی از تأثیر اسلام بر تقسیم و تجزیه طلبی ۲۰۱

ج. دین همچون پایه‌ای برای ایجاد احزاب سیاسی - مذهبی ۲۰۶

د. دین در انتخابات ۲۱۵

ه. تأثیر دین بر سیاست‌های داخلی و قوانین ۲۱۶

و. اجتماع‌گرایی دینی: خشونت و آشوب‌های اجتماع‌گرایانه ۲۲۰

جمع بندی ۲۲۴

فصل پنجم: هندوستانِ پسا - استقلال مبتنی بر هندوئیسم

الف. هندوستان بر بنیان هندوئیسم ۲۳۳

ب. احزاب سیاسی مبتنی بر دین در هند پسا - استقلال ۲۳۸

ج. تأثیر دین بر سیاست‌ها و قوانین ۲۷۳

جمع بندی ۲۹۰

فصل ششم: کارکرد انتخاباتی و دیگر کارکردهای سیاسی دین در هند پسا - استقلال

الف. کارکرد انتخاباتی دین: استفاده از دین توسط رهبران و احزاب سیاسی ۳۰۱

ب. اجتماع‌گرایی: نقش دین در خشونت و بی‌نظمی سیاسی ۳۳۵

ج. تجزیه طلبی و جدایی خواهی داخلی بر اساس دین ۳۴۳

د. تأثیر دین بر روابط بین‌المللی هندوستان ۳۴۹

جمع بندی ۳۶۱

کلام آخر: تداوم کارکرد سیاسی دین ۳۷۱

▣ منابع ۳۸۵

پیشگفتار

مدخلی بر چاپ فارسی کتاب

کتاب حاضر در واقع نسخه‌ی فارسی آن تحت همین عنوان است که در سال ۲۰۱۵ در دهلی نو چاپ گردیده و توسط خود نویسنده و با رفع برخی اشکالات و اضافه کردن برخی توضیحات لازم برای نسخه‌ی فارسی آن، به زبان فارسی برگردانده شده است. این کتاب به بررسی کارکردهای سیاسی دین در هندوستان معاصر از اوایل قرن بیست تا قرن بیست و یکم میلادی و مقایسه‌ی این کارکردها در هند قبل و بعد از استقلال و تداوم آنها پرداخته است. اگرچه این کتاب حاصل مطالعه‌ی جامعه‌ی چنددینی و چندملیتی هندوستان است، اما این کارکردها در جوامع دیگر نیز به شیوه‌های مختلف دیده شده و می‌شوند. این مطالعه می‌تواند مدخلی بر مطالعات دیگر در زمینه‌ی کارکرد سیاسی دین و بررسی آن در کشورهای دیگر باشد. به طور کلی هدف از آن، یافتن کارکردهای سیاسی دین در جوامع معاصر و با نگاهی سیاسی بود که هندوستان در گام اول بهترین نمونه برای چنین مطالعه‌ای تشخیص داده شد. هرچند به صورت پراکنده گاه در برخی کتب جامعه‌شناسی به ویژه در زمینه‌ی جامعه‌شناسی دین به برخی از این کارکردها اشاراتی شده، اما جای خالی چنین مطالعه‌ای به صورت متمرکز و با نگاهی سیاسی احساس می‌شد. این اثر پر کردن چنین خلأیی را هدف قرار داده است و بعد از بررسی نظری کارکردگرایی، به مطالعه‌ی موردی هندوستان پرداخته است تا مشخص گردد که چگونه دین در عرصه‌ی سیاسی (چه در کشورهای دارای دولت سکولار و چه مذهبی) همچون ساختار اجتماعی یا بخشی از فرهنگ بسته به جامعه به کار گرفته می‌شود. همچنین، این مطالعه تلاشی بود تا کارکردگرایی در زمینه‌ی دین را از حوزه‌ی جامعه‌شناسی به حوزه‌ی علوم سیاسی وارد و با نگاهی کارکردگرایانه به

نقش دین در سیاست پیردازد. در این رابطه، بحث کارکردهای مثبت دین در سیاست با پراگماتیسم سیاسی در ارتباط است و به فواید و نتایج عملی مثبت دین در عرصه‌ی سیاست می‌پردازد. چنین مطالعاتی هم کاربرد و مزایای استفاده از دین در عرصه‌ی عمل سیاسی توسط سیاستمداران، و هم نواقص برخی جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در برخورد با دین به خصوص در جوامع جهان سوم را آشکار می‌سازد. پیگیری روند کارکردهای سیاسی دین در تاریخ معاصر هند، الگویی از چگونگی عملکرد آنها ارائه کرده که می‌تواند همچون راهنمایی برای کاربرد صحیح این کارکردها به تناسب سیاست دول یا جنبش‌های مختلف سیاسی-اجتماعی باشد تا به ویژه در جوامع سنتی و تحت نفوذ ساختاری دین بتوانند از جوانب منفی آن کاسته و از جوانب مثبت آن در راستای سیاست خویش استفاده کنند. در واقع در برخی جوامع حوزه‌ی نفوذ دین عرصه‌ی کشمکش، بخشی از امکانات سیاسی و گاه برگ برنده‌ی طرف‌های رقیب بوده است. هر طرفی که شناخت بهتری از جامعه‌ی خویش، میزان نفوذ دین در آن و کارکردهای سیاسی دین داشته، با تبدیل آن به ابزاری سیاسی به موفقیت نزدیک‌تر بوده است. و این نگاه ابزاری، درست یا نادرست به لحاظ اخلاقی، وجود داشته و اکثر سیاستمداران عملگرا مستقیم و غیر مستقیم به آن متوسل شده‌اند. بحث از کاربرد سیاسی دین نه ترویج نگاه ابزاری صرف به دین، بلکه بحثی تخصصی در حوزه‌ی علوم سیاسی و آگاهی بخشی و آشکارسازی واقعیتی سیاسی است که گاه در عرصه‌ی عمل سیاسی گریزی از آن نیست و گاه کارکردی پنهانی است که به نفع ایده‌ها و مقاصد گروهی عمل می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که بحث کارکرد سیاسی دین متمایز، اگرچه مرتبط، از بحث دین سیاسی و نزدیک به بحث سیاست دینی است. به هر حال، این مطالعه تلاشی است برای پیوند نظر و عمل، که امید است بخشی هرچند کوچک از خلأ مطالعات سیاسی در این زمینه را پر کرده و به ویژه در زمینه‌ی آگاهی بخشی، مفید واقع گردد.

مقدمه

به دلیل تفکر غالب در علوم سیاسی که چندان روی تأثیر دین و مذهب در زندگی اجتماعی حساب باز نمی‌کرد، مطالعات جدی در مورد نقش دین در سیاست تقریباً جدید است. به غیر از نظریه پردازان هنجاری و مطالعات تطبیقی، دیگر محققان در کنار علاقه‌ی مطالعاتی خویش به صورت جانبی و حاشیه‌ای به دین می‌نگریستند. در برخی مطالعات همچون مطالعات سیستماتیک تحولات سیاسی، دین همچون مشکلی که نیازمند حل است و در مقابل توسعه مؤثر قرار گرفته، ملاحظه شد. اما با درک تازه‌ای از توانمندی‌های سیاسی دین، پژوهشگران نسبت به گذشته آن را بیشتر مورد ملاحظه قرار دادند.^۱

اغلب تحقیقات علمی، در دهه‌های اخیر، بر آنند که اعتقادات و اعمال مذهبی امروزه هم همچون گذشته، اگر نه بیشتر، شایع هستند. حتی اغلب مردم در کشورهای سکولار خود را همچون پیروان یک دین معرفی می‌کنند. برای مثال، بر اساس «پیمایش ارزش‌های جهانی»^۲، انجام شده میان سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۱، سه چهارم پاسخ‌دهنده‌ها در ۴۳ کشور ایمان به الوهیت‌هایی فراطبیعی را ابراز می‌کنند، ۶۳٪ خود را مذهبی دانسته، و ۷۰٪ ادعا می‌کنند که متعلق به یک فرقه‌ی مذهبی هستند.^۳ بنابراین، دین یک عنصر پایدار در جامعه‌ی انسانی است که می‌تواند همچون بخشی از جامعه به عنوان یک کل که دارای برخی کارکردهای مهم است، ملاحظه شود. از آنجا که دین همچون عامل غالب در زندگی مردم مورد ملاحظه واقع می‌گردد، همچون یک عامل مؤثر در سیاست هم ظهور می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند که نه سکولاریسم نه مدرنیته نتوانستند مذهب را در جهان مدرن به حاشیه برانند و دین و سیاست در یک تعامل مداوم قرار داشته‌اند.

در اتحاد شوروی سابق، بعد از مبارزه ضد مذهبی طولانی، رابطه‌ی بین دین و سیاست